تجاوز نظامی آمریکا و عربستان به مناطقی از عراق و شهادت ۲۰ نفر از نیروهای حشدالشعبی

جنایت و حماقت

گروه بین‌الملل: در حالی که غرب آسیا این روزها به‌شدت بـا پیامدهای جنگ‌هـا و مداخلات آمریـکا در منطقه دسـت‌وپنجه نرم می‌کند، واشـنگتن بار دیگر با نادیده گرفتن اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و حاکمیت ملی کشورها، دست به تجاوزی آشکار در منطقه این بار علیه خاک عراق زد. حملات هوایی اخیر آمریکا علیه عراق که با مشارکت سعودی‌ها همراه بود، نه‌تنها به گفته بسیاری از کارشناسان نقض آشکار حقوق بین‌الملل و خارج از هر گونـه چارچوب قانونی صورت گرفته، بلکه منطقه را در آستانه دور جدیدی از تنش‌ها قرار داده و صدای عراقی‌ها را درآورده است.

به گزارش «وطن امروز»، تجاوز نظامی اخیر رژیم‌های آمریکا و سـعودی علیه عراق پس از آن انجام شـد که ریاض مدعی شد از خاک عراق به مواضعی در آن کشور شلیک شده است؛ ادعایی که البته فورا در عراق رد شد و گروه‌های مقاومت عراقی این ادعاها را بی‌اساس عنوان کرده و در بیانیه‌ای به عربسـتان دربـاره هر گونه اقدام «احمقانه» هشدار دادند.

بـا وجود هشـدارها در عراق نسـبت بـه هر گونه تنش‌آفرینی از سـوی ریاض و واشنگتن، اما فرماندهی مرکزی تروریسـت‌های آمریکایی در منطقه موسوم به سنتکام بامداد چهارشنبه با اعلام خبر تجاوز به اهدافی در عراق مدعی شد این حملات «مراکز لجستیکی و انبارهای سلاح» متعلق به گروه‌های مسلح در شرق عراق را هدف قرار داد. به گفته آمریکا، این حملات در پاسـخ به بیش از ۳۰ حمله پهپادی علیه نیروهای آمریکایی و تأسیسات نفتی عربستان انجام شد. عربستان نیز با تأیید مشارکت خود در این تجاوز، آن را «دفاع مشروع» در برابر حملات مکرر به تأسیسات نفتی خود از خاک عراق عنوان کرد.

■ کدام استان‌های عراق هدف قرار گرفتند؟

بر اساس گزارش‌های میدانی، تجاوزات مشترک آمریکا و عربستان علیه عراق اماکنی در استان‌های بصره، واسط، بابل، کرکوک و نینوا را هدف قرار داد. همچنین انفجارهای شدیدی در مقر عملیات «بسیج مردمی» (حشدالشعبی) در منطقه الدیر (بصره)، انبارهای تسلیحات در السویه و مواضعی در جرف النصر رخ داده اسـت. بر اساس بیانیه حشدالشعبی تا بعدازظهر چهارشنبه، شهادت حداقل ۲۰ نفر و زخمی شـدن ۳۲ نفر دیگر در پی حملات آمریکا و سعودی تایید شد. حشدالشعبی همچنین با اشاره به اینکه بر اساس اطلاعات اولیه، این حملات علاوه بر تلفات انسـانی، خسـارات مادی نیز به تعدادی از مقرهای این سازمان وارد کرده است، تأکید کرد این حملات «تشدید تنش خطرناک»، «نقض حاکمیت عراق» و «اقدامی علیه نهادهای رسمی امنیتی این کشور» است.

با تجاوز اخیر به عراق اکنون بسیاری از کارشناسان این پرسش را مطرح کرده‌اند: آمریکا تا چه زمانی خود را فراتر از قوانین بین‌المللی دانسته و با توسل به قدرت نظامی، حاکمیت کشورهای مستقل را زیر پا خواهد گذاشت؟

■ خشم پارلمان عراق

حمـلات هوایـی آمریـکا و عربسـتان بـه مواضع نیروهـای عراقـی، موجـی از خشـم و اعتـراض را در میـان نماینـدگان پارلمـان ایـن کشـور برانگیخت؛ واکنش‌هایی که نشـان می‌دهد این حملـه صرفاً یک عملیات نظامی تلقی نمی‌شـود، بلکه از نگاه بسـیاری از سیاسـتمداران عراقی، تعرض مسـتقیم به حاکمیت ملی، اقتدار دولت و نهادهای رسمی امنیتی عراق است.

رئیس پارلمان عراق، با محکوم کردن حمله به مقرهای نیروهای امنیتی که به شهادت و زخمی شدن ده‌ها تن از آنها انجامید، این اقدام را «نقض غیرقابل قبول حاکمیت عـراق و تعرض به امنیت و ثبات کشـور» توصیف کرد. «هیبت حلبوسی» تأکید کرد هدف قرار دادن نهادهای امنیتی عراق، در واقع حمله به ساختار رسمی کشوری است که مسؤولیت دفاع از وطن را بر عهده دارد.

وی در ادامه از فرمانده کل نیروهای مسـلح خواست تحقیقات جامع و شفافی درباره این حمله انجام دهد و ضمن پیگیری همه مسیرهای دیپلماتیک و حقوقی برای حفظ حقوق عراق، عوامل دخیل در استفاده از خاک این کشور برای انجام هر گونه عملیات خصمانه علیه کشورهای همسایه را نیز شناسایی کند.

در همین راستا، نماینده پارلمان عراق با متهم کردن آمریکا و عربستان به انجام «حملات تروریستی»، گفت این حملات چندین موضع نیروهای امنیتی عراق را هدف قرار داده و مصداق آشکار تجاوز به حاکمیت ملی است. فالح خزعلی با تأکید بر اینکه سکوت در برابر چنین حملاتی به تضعیـف اقتدار دولت منجر خواهد شـد، از دولت و نخسـت‌وزیر عراق خواست با شـجاعت از منافع ملی و امنیت کشور دفاع کنند.

«حسین نعمت البطاط» دیگر نماینده پارلمان عراق نیز در بیانیه‌ای، مشترک بودن عملیات آمریکا و عربستان را «نقض آشـکار حاکمیت عراق و قوانین و هنجارهای بین‌المللی» توصیف کرد و هشدار داد این اقدام، امنیت و ثبات عراق را با تهدیدی جدی مواجه کرده است. وی از دولت خواسـت همه ظرفیت‌های نظامی، سیاسـی، دیپلماتیک و حقوقی خود را برای پاسخ متناسب به این تجاوز به کار گیرد.

البطاط همچنین خواستار لغو سفر برنامه‌ریزی‌شده نخسـت‌وزیر عراق به عربستان شد و تأکید کرد چنین تصمیمی، پیام روشـنی در رد هر گونه تجاوز به ملت و نهادهـای امنیتی عراق خواهـد بود و با موضع ملی این کشور در شرایط کنونی همخوانی دارد.

در میان واکنش‌ها، موضع «سعود الساعدی» نماینده پارلمان و عضو جنبش «حقوق»، از همه قاطع‌تر بود. او از فرمانده کل نیروهای مسلح عراق خواست به مسؤولیت خود عمل کرده و دستور «پاسخ نظامی» به حملات آمریکا و عربستان را صادر کند. الساعدی تأکید کرد «خون عراقی‌ها ارزان نیست» و افزود کارنامه واشنگتن و ریاض در عراق تنها با صدور بیانیه‌های محکومیت پاک نخواهد شد، بلکه نیازمند پاسخی است که اقتدار و هیبت عراق را حفظ کند.

«همام التمیمی» رئیس فراکسـیون بدر در پارلمان عراق هم با محکوم کردن این حمله، آن را «نقض آشکار حاکمیت عراق و قوانین بین‌المللی» و اقدامی جهت تشدید تنش‌های منطقه‌ای دانست که امنیت و ثبات عراق و کل منطقه را تهدید می‌کند.

وی با اشاره به رویکرد دولت عراق در سال‌های اخیر یادآور شـد: بغداد همواره سیاسـت حسن همجواری، خویشتنداری و ایجاد روابط متوازن با کشورهای منطقه را دنبال کرده و گفت‌وگو را بهترین راه‌حل اختلافات دانسته است اما تجاوز اخیر، خاطره سال‌های تلخ مبارزه با تروریسم را برای عراقی‌ها زنده کرد؛ سال‌هایی که مردم عراق برای دفاع از سـرزمین خود هزینه‌های سنگینی پرداختند و اکنـون بار دیگر بـا تهدید علیه حاکمیت و امنیت ملی خود روبه‌رو شده‌اند.

این واکنش‌های خشمگینانه در پارلمان عراق بی‌دلیل نیسـت و نمایندگان نگرانند با تکرار حملات آمریکا، امنیت و ثبات عراق بیش از گذشته در معرض تهدید قرار گیرد. «بورجو اوزچلیک» پژوهشگر ارشد اندیشکده «روسـی» هم در واکنش به حملات اخیر هشدار داد گسترش عملیات نظامی در خاک عراق، این کشور را بار دیگر به میـدان اصلی تنش‌های منطقه‌ای تبدیل می‌کنـد و روند تثبیت امنیـت بغداد را با خطر جدی مواجه می‌سازد. به گفته وی، هر گونه حمله خارجی به خاک عراق، دولت مرکزی را تضعیف کرده و احتمال ورود عـراق به دور جدیدی از درگیری‌ها را افزایش می‌دهد.

■ هدف تضعیف «بسیج مردمی» است

در این میان برخی کارشناسان تجاوز به عراق را با هدف تضعیف گروه‌های مقاومت و سازمان حشدالشعبی عنوان کردند. «جمعه العطوانی» کارشناس عراقی و رئیس مرکز مطالعات «افق» در گفت‌وگو با شبکه خبری «المیادین» تاکید کرد اقدام عربسـتان و آمریـکا در حمله به عراق خصمانه بوده و هدف از آن تضعیف قدرت بسیج مردمی (حشدالشعبی) است.

العطوانی تاکید کرد بخشی از فشارهای آمریکا به دلیل موضع عراق در همبستگی با ایران بویژه بعد از برگزاری مراسم تشییع باشکوه قائد شهید امت اسلام است.

تحلیلگر عراقی افزود: تشییع میلیونی امام خامنه‌ای در کربلا و نجف نشان‌دهنده نقش طبیعی عراق در جبهه مقاومت است. حمله به عراق در واقع انتقام از این کشور به خاطر برگزاری مراسم تشییع پرشکوه امام خامنه‌ای(ره) اسـت که در تاریخ بی‌سابقه بود؛ عراق بهای هویت خود را می پردازد.

وی همچنین اظهار کرد عربستان ارتباط محکمی با دولت آمریکا دارد و حشدالشعبی معضلی بزرگ برای آمریکا به شمار می‌رود. العطوانی خاطرنشان کرد: بعید می‌دانم دولت علی الزیدی بیانیه‌ای برای محکومیت تجاوز عربستان به عراق صادر کند بخصوص که وی در آسـتانه سفر به عربسـتان است. نتایج این سفر با سفرهای قبل تفاوتی ندارد و در راستای منافع تجاری و اقتصادی خواهد بود.

■ سفیر سعودی اخراج شود

واکنش‌ها به حمله مشترک آمریکا و عربستان تنها به محکومیت‌های پارلمانی محـدود نماند، بلکه طیف گسـترده‌ای از گروه‌های مقاومت و جریان‌های سیاسی عراق، این حمله را نقطه عطفی در روابط بغداد و ریاض دانسـته و خواستار بازنگری اساسی در سیاست خارجی دولت عراق شدند. بسیاری از گروه‌های مقاومت عراق تاکید کردند مشارکت عربستان در حمله به خاک عراق، جایگاه ریاض را از یک همسایه منطقه‌ای به «شریک مستقیم در تجاوز به حاکمیت عراق» تنزل داده و ادامه روابط عادی با این کشور را با چالش جدی مواجه کرده است.

نیروهـای مقاومت عراق اکنـون معتقدند همراهی عربستان با عملیات نظامی آمریکا، بار دیگر این تصور را تقویت کرده اسـت که ریاض همچنان بخشی از راهبرد امنیتی و نظامی واشـنگتن در منطقه به شمار می‌رود؛ راهبردی که با اسـتفاده از شـعارهایی مانند «مبارزه با تروریسـم»، حاکمیت کشـورهای منطقه را هدف قرار می‌دهـد. از همین رو، برخـی جریان‌های عراقی تأکید کردند مقابله با این روند تنها به خروج نیروهای آمریکایی محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم برخورد با همه طرف‌هایی است که در اجرای این سیاست‌ها نقش‌آفرینی می‌کنند.

پس از تجاوز اخیر عربستان به عراق، گزارش‌هایی نیز از ایجاد چالش در روابط سیاسی بغداد و ریاض منتشر شد. شبکه تلویزیونی «العربی» به نقل از یک منبع دولتی عراق گزارش داد سفر از پیش برنامه‌ریزی‌شده «علی الزیدی» نخست‌وزیر عراق به عربستان سعودی لغو شد؛ اقدامی که در صورت تأیید نهایی، می‌تواند نخستین پیام عملی بغداد در واکنش به تحولات اخیر تلقی شود و نشانه‌ای از بازنگری در مناسبات ۲ کشور باشد.

همزمـان گروه مقاومت «گردان هـای اولیاءالدم» با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد «حاکمیت عراق و خون شهدا قابل معامله نیست» و دولت نباید مناسبات خارجی کشور را با منطق توافقات اقتصادی و ملاحظات تجاری مدیریت کنـد؛ در حالی که امنیت و حاکمیت ملی هدف حمله قرار گرفته است.

ایـن گروه از دولت بغداد خواسـت تمـام توافقات و قراردادهای اخیر با ایالات متحده را مورد بازنگری قرار دهد، سفر برنامه‌ریزی‌شده به عربستان را لغو کند، سفیر سعودی را فـوراً از بغداد اخراج و روابط دیپلماتیک و اقتصادی با ریاض را تا زمان تغییر رفتار آن کشور قطع کند.

جنبش مقاومت اسـلامی «نُجَبا» نیـز در بیانیه‌ای، حمله مشترک آمریکا و عربستان به مواضع حشدالشعبی را «تجاوز آشـکار به عمق خاک عـراق» توصیف کرد و هشـدار داد دولت بغداد در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر خود قرار گرفته است؛ مقطعی که به اعتقاد این جنبش، دیگر نمی‌توان آن را صرفاً با صدور بیانیه‌های محکومیت مدیریت کرد.

نجبا با تأکید بر اینکه ادامه حضور پایگاه‌های نظامی آمریکا در عراق به تهدیدی مسـتقیم برای امنیت ملی این کشور تبدیل شده است، خواستار پایان دادن به این وضعیت شد و اعلام کرد تداوم حضور نیروهای آمریکایی، زمینه تکرار چنین حملاتی را فراهم می‌کند.

ایـن جنبـش همچنیـن از دولت عراق خواسـت همکاری‌های خود با سعودی را به طور کامل متوقف کند و عنوان کرد ریاض با مشـارکت در حمله اخیر، در صف کشـورهای متجاوز علیه عراق قرار گرفت. در این بیانیه تأکید شـده است ادامه واکنش‌های صرفاً دیپلماتیک و صدور بیانیه‌های محکومیت، نه‌تنها مانع تکرار حملات نخواهد شـد، بلکه متجاوزان را برای ادامه اقدامات خود جسورتر می‌کند.

مقاومت اسلامی عراق همچنین اعلام کرد پاسخ به تجاوز مشـترک آمریکا و سـعودی قطعی است، اما در عین حال اعلام کرد برای جلوگیری از اخلال در امنیت میلیون‌هـا زائر، انتقام خود در برابر حملات اخیر آمریکا را تا پس از مراسم پیاده‌روی اربعین به تعویق می‌اندازد. این گروه عراقی البته هشدار داد حملات علیه نیروهای آمریکایی اجتناب‌ناپذیر اسـت و گفـت در صورت لزوم عربستان سعودی نیز می‌تواند هدف قرار گیرد. در بیانیه مقاومت اسلامی عراق آمده است: رژیم سعودی خنجری از پشـت و ابزاری کثیف در دست کاخ سفید است. آنها دیـروز با اعزام انتحاری‌ها و امروز با مزدوری برای اربابان خود، خون عراقی‌ها را می‌ریزند. حتی اگر ادعای آنها درباره شلیک به تاسیسات نفتی درست باشد، آیا منطقی است پاسـخ یک تلاش ناموفق علیه میدان نفتی را با کشتن ده‌ها بی‌گناه بدهند؟

در ادامه بیانیه مقاومت اسـلامی عراق آمده است: به نهادهای دولتی که خواستار خلع سلاح مقاومت بودند، تا ۲۳ صفر مهلت می‌دهیم تا ببینیم در قبال این تجاوز و برای دفاع از حاکمیت کشور چه اقدام عملی انجام می‌دهند.

این اولتیماتوم زمانی مقاومت به دولت علی الزیدی، هم کنایه‌ای است به تلاش‌ها برای خلع سلاح مقاومت عراق و هم آزمونی که مقاومت برای دولت عراق تدارک دیده تا مردم عراق به وضوح مشاهده کنند توان دولت این کشور برای دفاع از حاکمیت عراق تا چه اندازه است و قاعدتا از این رهگذر، مردم عراق اهمیت مقاومت و حفظ سلاح آن را بیشتر درک کنند.

■ اجماع سیاسیون عراقی بر حفظ حاکمیت ملی

حمله اخیر آمریکا و سعودی، فضای سیاسی عراق را به سمت نوعی اجماع کم‌سابقه بر سر پاسداری از حاکمیت ملی این کشور سوق داده؛ به‌گونه‌ای که احزاب سیاسی، نهادهای مذهبی و شخصیت‌های بانفوذ، جدا از تفاوت‌های سیاسی، در محکومیت این حمله هم‌صدا شده‌اند. بسیاری از جریان‌هـای عراقی هشـدار داده‌اند بی‌پاسـخ ماندن چنین حمله‌ای، می‌تواند به عادی‌سازی نقض حاکمیت عراق و افزایش مداخلات خارجی در آینده منجر شـود.

در همیـن چارچوب، حزب دعوت اسـلامی عراق با محکوم کردن حمله آمریکا و عربستان، این اقدام را نقض آشکار حاکمیت و تمامیت ارضی عراق دانست. این حزب در بیانیه خود تأکید کرد: «این حمله، تجاوزی ظالمانه، مردود و مغایر قوانین بین‌المللی و منشور ملل متحد است و اقدامی خطرناک جهت تشدید تنش‌ها به شمار می‌رود که امنیت عراق و ثبات منطقه را تهدید می‌کند».

جماعت علمای عراق نیز با صدور بیانیه‌ای، حمله به مقرهای حشدالشعبی را به‌شدت محکوم کرد و با اشاره به جایگاه این نیروها در ساختار امنیتی این کشور، تصریح کرد: «مؤسسات و مقرهای هدف قرار گرفته، مراکز دفاعی رسـمی هسـتند که در جنگ علیه گروهک تروریست داعش، از ارکان اصلی دفاع از عراق به شـمار می‌رفتند. هدف قرار دادن نیروهایی که تروریسم را از عراق بیرون راندند، پرسش‌های جدی درباره اهداف واقعی این تجاوز ایجاد می‌کند».

در میان شخصیت‌های سیاسی عراق، هادی العامری، دبیرکل سـازمان بدر موضعی شـجاعانه‌تر اتخاذ کرد و حمله عربسـتان با پشتیبانی جنگنده‌های آمریکایی به مواضع حشدالشعبی را «تجاوزی غیرقابل توجیه» علیه حاکمیت و نیروهای مسـلح عراق خواند. وی با محکوم کردن هدف قرار گرفتن نیروهایی که به گفته وی نقشی تعیین‌کننده در برقراری امنیت و شکست داعش داشته‌اند، از دولت عراق خواست موضعی قاطع و متناسب با ابعاد این تجاوز اتخاذ کند.

العامری با یادآوری نقش حشدالشعبی در تأمین امنیت عراق اظهار کرد: «این نیروها سهم اساسی در تثبیت امنیت کشور داشته‌اند و همچنان بقایای تروریست‌های داعش را تعقیب می‌کنند. حمله به چنین نیروهایی، حمله به امنیت عراق است، نه صرفاً یک تشکیلات نظامی».

وی در بخش دیگری از سـخنان خود، با مرور سابقه روابط بغـداد و ریاض، بیان کرد: عراقی‌ها از مشـارکت عربسـتان در این حمله غافلگیر شده‌اند، زیرا بغداد طی سال‌های گذشته همواره سیاست تعامل و حسن همجواری را دنبال کرده اسـت. العامری در عین حال، با اشـاره به سـال‌های اوج ناامنی در عراق، عربسـتان را به حمایت از جریان‌های افراطی و تسـهیل ورود عناصر انتحاری به این کشور محکوم کرد و ادامه داد: «عراق سال‌ها با صبر و خویشـتنداری رفتار کـرد، در حالی که هزاران عنصر انتحاری و خودروهای بمب‌گذاری‌شده از مسیرهای مرتبط با عربستان وارد کشور شدند و این مساله بهای سنگینی را بر مردم عراق تحمیل کرد».

محمد شیاع السودانی، نخست‌وزیر سابق عراق نیز بر حق کامل و مشروع کشورش برای دفاع از خود تاکید و اظهار کرد این تجاوز نقض آشکار حاکمیت عراق و نقض آشکار قوانین بین‌المللی و منشور ملل متحد است.

خبرگزاری آسوشیتدپرس هم در گزارش خود به نقل از شـماری از تحلیلگران امنیتی نوشت: حملات اخیر، آتش‌بس شـکننده در منطقه را از بین برد و خطر ورود عراق به چرخه جدیدی از حملات تلافی‌جویانه را افزایش خواهد داد. این کارشناسان هشدار داده‌اند هر حمله متقابل، احتمال گسترش دامنه درگیری به سایر کشورهای منطقه را بیشتر می‌کند و بعید است بعد از این، گروه‌های مقاومت عراق حملات را بی‌پاسخ بگذارند.

■ اشتباه راهبردی آل‌سعود

عربسـتان سعودی مدعی شده روز سه‌شنبه چند پهپـاد از خاک عراق به سـمت اهدافـی در خاک این کشـور به پرواز درآمدند. در مقابـل، هم دولت عراق و هم سازمان حشدالشـعبی چنین ادعایی را تکذیب و تصریـح کردند این موضوع مطلقا واقعیت ندارد. حتی برخـی صاحبنظران معتقدند ممکن اسـت پای رژیم صهیونیستی در میان باشد تا تنش در منطقه را افزایش دهد. در چنین شـرایطی، حمله جنایت‌بار عربستان با همراهـی آمریکا به خاک عـراق که طی آن ۲۰ نفر به شهادت رسیدند، یک اقدام تنش‌زاست که بدون شک با پاسخ مقاومت عراق مواجه خواهد شد. در شرایطی که عربستان در مخمصه محاصره یمن گیر کرده و ضربات ارتش یمن باعث تحمیل خسارات هنگفت به تاسیسات نفتی این کشور شده، بازشدن یک جبهه دیگر آن هم از سـوی عراق، بدون شک شرایط را برای ریاض دشوار خواهد کرد. این موضوع برای آمریکا نیز وجود دارد. آمریکا در حالی به دنبال تشدید تنش و حمله احتمالی گسترده علیه ایران است که حالا در عراق دست به جنایتی زده که باعث می‌شود منافع واشنگتن در منطقه در معرض آسـیب بیشـتر قرار گیرد. از همین رو به نظر می‌رسد اقدام مشـترک سـعودی - آمریکا از آنجا که می‌تواند جبهه جدیدی را علیه آنها بگشاید، هزینه‌های بزرگی برای آنها به همراه خواهد داشـت، به‌ویژه اینکه پس از حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن، حالا حشدالشعبی عراق نیز انگیزه لازم را برای انتقام از آمریکا و آل‌سعود دارد.

چگونه دوگانه‌سازی رسانه‌ای می‌تواند همپوشانی راهبردی ترامپ و نتانیاهو را پنهان کند؟

کدام اختلاف؟ کدام شکاف؟

حنیف غفاری

سفر نخست‌وزیر کودک‌کش رژیم اشغالگر صهیونیسـتی به آمریکا و دیدار وی با رئیس دولت تروریست آن کشور در واشنگتن، مورد توجه بسیاری از تحلیلگران حوزه روابط بین‌الملل قرار گرفته است. روایتی که اکثر رسانه‌های غربی- صهیونی از کلیت این دیدار ارائه می‌کنند، ناظر بر یک پیش‌فرض متوهمانه است: چنین ملاقاتی در نقطه اوج اختلافات طرفین بر سر حمله به ایران و دیگر تحولات جاری در منطقه صورت گرفته و نشانه‌های دال بر هم‌افزایی مطلق واشنگتن- تل‌آویو در قبال چنین پرونده‌های مهم و تعیین‌کننده‌ای وجود ندارد! متاسفانه این خط تحلیلی از سوی برخی رسانه‌های منطقه‌ای و حتی داخلی نیز با ذوق‌زدگی دنبال می‌شود. طرح گزاره‌هایی مانند «مهار نتانیاهو توسط ترامپ» یا «تعارض منافع واشنگتن-تل‌آویو» در منطقه و تکرار مستمر آن، بیش از آنکه نشان‌دهنده یک نگاه ایده‌آل‌گرایانه و اشتباه باشد، بیانگر اصراری معنادار بر خلق عامدانه انگاره‌های نادرست در اذهان مخاطبان است. درست ساعاتی قبل از دیدار نتانیاهو و ترامپ، شاهد انتشار مصاحبه ترامپ با شبکه «فاکس‌نیوز» بودیم؛ جایی که وی ادعـا کرد بی‌بی قصد دارد با طرح موضوعاتی در خصوص کوه کلنگ، بیش از پیش توجه من را به سوی ایران جلب کند، حال آنکه چنین مساله‌ای چندان بزرگ نیست! باراک راوید، خبرنگار آکسیوس بلافاصله پس از انتشار این مصاحبه مدعی شد ترامپ در مصاحبه با فاکس‌نیوز قصد داشت (پیش از دیدار با بنیامین نتانیاهو) پیامی قاطع و سخت‌گیرانه به نخست‌وزیر رژیم منتقل کند. البته کار به اینجا ختم نشد. رسانه‌های صهیونیستی نیز در گزارشی همزمان مدعی شدند پیش از موافقت رئیس‌جمهور آمریکا برای دیدار با نخست‌وزیر اسرائیل، ترامپ از نتانیاهو خواسته بود با دست پر به کاخ سفید برود. در همین راستا، نتانیاهو پس از مشورت با مشاورانش، جلسه‌ای در کابینه اسرائیل تشکیل داد که طی آن، با وجود عدم خلع سلاح حماس، ورود نیروی بین‌المللی حافظ ثبات به نوار غزه را برای جلب رضایت کاخ سفید تصویب کرد. اما پشت پرده ماجرا چیست؟! آیا می‌توان چنین نگاه سـاده‌انگارانه و کودکانه‌ای را در قبال ماهیت، فرامتن و عمق مناسبات ۲ موجود تروریستی که هر ۲ در جنگ رمضان، جنگ لبنان و نسل‌کشی غزه، پررنگ‌ترین همپوشانی ممکن را داشته‌اند باور کرد؟ پاسخ این سوال قطعا منفی است!

واقعیت امر آن اسـت که یکی از رایج‌ترین شـگردهای دشمن این است که ۲ فرد یا ۲ جریان، در عمل از یک فرمول و نقشه راه مشترک پیروی کنند اما در سطح روایت عمومی، خود را متفاوت و حتی در مواردی متضاد نشان دهند. این شکاف میان «واقعیت تصمیم‌سـازی» و «تصویر رسـانه‌ای» نه تصادفی است و نه صرفا محصول سـوءتفاهم، بلکه اغلب بخشـی از یک مهندسی آگاهانه برای مدیریت افکار عمومی و کاهش هزینه‌های سیاسی محسوب می‌شود. نخستین ابزار کاخ سفید و رژیم صهیونی در پیشبرد این القای خطرناک، «ساختن دوگانه‌های نمادین» است. در این شیوه به جای بحث درباره مخرج مشترک راهبردی طرفین، بر تفاوت‌های سطحی و نمایشی تأکید می‌شود: لحن گفتار، سبک پوشش، واژگان احساسی یا نحوه مواجهه با رسانه‌ها. یکی تندتر و دیگری آرام‌تر! این تفاوت‌های ظاهری به مخاطب القا می‌کند با ۲ سیاستمدار متفاوت روبه‌رو است، در حالی که در لایه تصمیم‌گیری، ترامپ و نتانیاهو هر دو به یک منافع مشترک، یک شبکه قدرت و یک منطق تروریستی همسـان پایبندند. رسانه‌های وابسته به جریان سلطه و اشغال، در اینجا نقش آیینه‌ای بزرگ‌نما را بازی می‌کنند؛ آیینه‌ای که کارکرد آن پنهان‌سازی اشتراک‌های بنیادین ترامپ و نتانیاهو است.

ابـزار دیگر، «خلق دوقطبی‌سـازی کنترل‌شـده» اسـت. این دوقطبی‌سازی، امکان پرسشگری درباره همسانی‌های واقعی را کاهش می‌دهد، چون مخاطب درگیر رقابت احساسی و گمراه‌کننده میان ۲ فرد (نتانیاهو و ترامپ) می‌شود. وقتی سیاست به صحنه مسابقه هیجانی تبدیل شود، مردم بیشتر از آنکه درباره اشتراکات عمیق یا نتایج عملی سیاست‌های جنگ‌طلبانه ترامپ و نتانیاهو بپرسند، درگیر توصیف تفاوت‌های دروغین القایی میان آنها می‌شوند. دقیقا در همین نقطه است که همپوشانی واقعی می‌تواند زیر لایه‌ای از جدال‌های نمایشی پنهان بماند. سومین سازوکار، «تخصیص نقش‌های مکمل» است. گاهی یک شخصیت نقش تندرو و دیگری نقش میانه‌رو را بازی می‌کند اما هر ۲ در عمل به یک هدف مشترک خدمت می‌کنند. این تقسیم کار با هدف ساده‌سازی هزینه‌های شکست مشترک تل‌آویو و واشنگتن در تقابل با ایران و اضلاع جبهه مقاومت و مدیریت انتقادات جهانـی از نتانیاهو و ترامپ صـورت می‌گیرد. در خلال این تمرکز انتخابی، مخاطب تصور می‌کند با ۲ مسـیر جداگانه روبه‌رو است، چون هر روز تیترها و تصاویر، این جدایی را بازتولید می‌کنند. به بیان دیگر، رسانه نه بازتاب‌دهنده اختلاف، بلکه «سازنده» آن است. در چنین معادله‌ای ترامپ مدعی می‌شود به‌سادگی ملاقات با نتانیاهو را نپذیرفته و نخست‌وزیر رژیم نیز از امتیازات دروغینی می‌گوید که در راستای تحقق نرمش رفتاری ترامپ به وی داده است!

نگاه

تهران در بازی بزرگ قرن

ادامه از صفحه اول

دیدار سـیدعباس عراقچی و وانگ یی در حاشـیه نشست وزیران خارجه سازمان همکاری شانگهای نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است. البته این حمایت را نباید صرفا یک اقدام سیاسی یا ایدئولوژیک تلقی کرد. روابط تهران ـ پکن بیش از هر چیز بر پایه محاسبات ژئوپلیتیک و منافع متقابل استوار است. برای چین، ایران تنها یک صادرکننده انرژی نیست، بلکه حلقه‌ای مهم در «ابتکار کمربند و جاده»، بازیگری تأثیرگذار در امنیت خلیج فارس و کشوری است که می‌تواند بخشی از فشارهای راهبردی آمریکا را در غرب آسیا متوازن کند. به همین دلیل، پکن همواره کوشیده ضمن حمایت از گفت‌وگو و کاهش تنش، از تضعیف جایگاه منطقه‌ای ایران نیز جلوگیری کند.

■ مهار چین؛ از تراشه تا کابل زیردریایی

راهبرد مهار چین اکنون ابعاد گسترده‌ای یافته است. اگر تا چند سال پیش تمرکز واشنگتن بر تعرفه‌های تجاری بود، امروز میدان رقابت به حوزه‌های کاملاً متفاوت کشـیده شده است. محدودیت صادرات تراشـه‌های پیشرفته، تحریم شرکت‌های فناوری، فشار بر متحدان برای کاهش همکاری با شرکت‌های چینی، کنترل سرمایه‌گذاری‌ها، محدودسازی دسترسی چین به فناوری‌های نوین، رقابت بر سر هوش مصنوعی و حتی جایگزینی کابل‌های مخابراتی زیردریایی، همگی اجزای یک راهبرد واحد هستند. بسیاری از اندیشکده‌های آمریکایی نیز در سال‌های اخیر تأکید کرده‌اند رقابت اصلی آمریکا دیگر مبارزه «ادعایی» با تروریسم یا حتی روسیه نیست، بلکه رقابت بلندمدت با چین خواهد بود. اسناد راهبرد امنیت ملی آمریکا نیز چین را تنها رقیبی معرفی کرده‌اند که هم توان اقتصادی، هم ظرفیت فناوری و هم قابلیت نظامی لازم برای تغییر نظم بین‌المللی را در اختیار دارد.

■ غرب آسیا؛ جبهه پشتی رقابت قدرت‌های بزرگ

یکی از مهم‌ترین تغییرات سال‌های اخیر آن است که منطقه غرب آسیا دیگر صرفا میدان رقابت بازیگران منطقه‌ای نیست. اکنون این منطقه به پشت صحنه رقابت آمریکا و چین نیز تبدیل شده است. واشنگتن تلاش می‌کند نفوذ فناوری، مالی و زیرساختی چین را در منطقه محدود کند. در مقابل، پکن می‌کوشد روابط اقتصادی خود با کشورهای منطقه را توسعه دهد، پروژه‌های انرژی و ترانزیتی را بیشتر کند و از تبدیل شـدن غرب آسـیا به اهرم فشار علیه اقتصاد چین جلوگیری کند. از این منظر، هرگونه بی‌ثباتی خلیج فارس می‌تواند مستقیما بر امنیت انرژی چین اثر بگذارد و هرگونه کاهش نفوذ آمریکا در منطقه نیز فرصت‌های تازه‌ای برای گسترش نقش پکن ایجاد کند.

■ چرا آمریکا بر فناوری تمرکز کرده؟

واکنش اخیـر وزارت بازرگانی چین بـه تهدیدهای آمریکا علیه شرکت‌های هوش مصنوعی نشانه دیگری از همین رقابت ساختاری است. واشنگتن معتقد است برتری در فناوری‌های نوظهور، تعیین‌کننده موازنه قدرت در دهه‌های آینده خواهد بود. از این رو، صادرات تراشه، توسعه هوش مصنوعی، رایانش کوانتومی، شبکه‌های مخابراتی و حتی کابل‌های زیردریایی، همگی به موضوعاتی امنیتی تبدیل شده‌اند. در مقابل، چین این اقدامات را مصداق «هژمونی فناوری» می‌داند و هشدار داده در برابر هر اقدامی که منافع اساسی این کشور را تهدید کند، اقدام متقابل انجام خواهد داد. این ادبیات نشان می‌دهد رقابت ۲ قدرت وارد مرحله‌ای شده که حتی فناوری نیز دیگر صرفا یک موضوع اقتصادی نیست، بلکه بخشی از بازدارندگی ملی محسوب می‌شود.

■ ایران و چین؛ همکاری بر اساس منافع مشترک

تحلیل روابط تهران و پکن بدون درک منافع مشترک ۲ کشور ناقص خواهد بود. ایران برای چین، امنیت انرژی، اتصال زمینی شرق و غرب آسیا، دسترسی به آبراه‌های راهبردی و ایجاد توازن در برابر فشـارهای آمریکا را فراهم می‌کند. در مقابل، چین برای ایران یک شـریک اقتصادی مهم، عضو دائم شـورای امنیت و یکی از معدود قدرت‌های بزرگی اسـت که از حفـظ گفت‌وگوهای دیپلماتیک و مخالفت با فشارهای یک‌جانبه حمایت می‌کند. این بدان معنا نیست که ۲ کشـور در همه موضوعات دیدگاه کاملا مشترکی دارند، بلکه همکاری آنها عمدتا بر پایه همگرایی منافع در برابر فشارهای ژئوپلیتیک شکل گرفته است.

■ آینده رقابت؛ از جنگ‌های منطقه‌ای تا نظم جهانی

واقعیت آن است رقابت آمریکا و چین وارد مرحله‌ای شده که دیگر نمی‌توان آن را صرفا یک رقابت تجاری یا فناوری دانست. امروز امنیت انرژی، مسـیرهای دریایی، زیرساخت‌های دیجیتال، هوش مصنوعی، زنجیره‌هـای تأمین و حتی بحران‌های منطقه‌ای نیز در چارچوب این رقابت معنا می‌یابد. در چنین شرایطی، تحولات مربوط به ایران نیز تنها در سـطح منطقه قابل تحلیل نیست. هر رخداد مهم در خلیج فارس می‌تواند بر معادلات بزرگ‌تر میان واشـنگتن و پکن تأثیر بگذارد و به همین دلیل، رفتار هر ۲ قدرت نیز بیش از گذشته تحت تأثیر محاسبات جهانی قرار گرفته است. شاید هنوز نتوان با قطعیت گفت هر تحول در غرب آسیا مقدمه رویارویی مستقیم آمریکا و چین است اما شواهد موجود نشان می‌دهد بسیاری از تصمیمات واشنگتن و پکن دیگر صرفا با نگاه منطقه‌ای اتخاذ نمی‌شود. غرب آسیا اکنون یکی از میدان‌های مهم رقابت قدرت‌های بزرگ است؛ رقابتی که سرنوشت آن نه فقط آینده منطقه، بلکه شکل نظم بین‌الملل را در دهه‌های آینده نیز تعیین خواهد کرد.